

# The Semantic Components of the Term “Muta-wassimin” in the Holy Quran with a Comparative Approach to the Position of Wilayah\*

## Research Article

Emamatpajouhi,  
Twelfth year, vol .2  
autumn & winter 2023  
DOI:10.22034/  
jep.2021.241889.1212  
jep.emamat.ir



Rahman Oshriyeh<sup>1</sup>

## Abstract

The term “mutawassimin” is one of the Quranic words that, despite its singular use in the Holy Quran, has found frequency in various scientific fields. A significant number of narrations also attempt to clarify its meaning and exemplification, establishing a special place for it in hadith, theological, and mystical literature. Based on this foundation, the present study employs a descriptive-analytical method to first explore the linguistic meaning of this word in lexical sources and aims to elucidate the subject of its linguistic meaning. Then, the semantic components of this term in its Quranic application and usage are examined and evaluated. In the subsequent stage, identifying the exemplified instances of the mentioned components is considered, and in this context, narrations that have been issued regarding the interpretation of this term are taken into account and examined for their specific instances. Based on this, an interpretive analysis of the narrations is conducted to determine the true and serious intention of the Holy Quran behind this word. In the final stage, it is emphasized that “tawassum” indicates an exceptional characteristic for the Imams (AS), which has been transmitted from one infallible to another based on their position of wilayah. This knowledge represents a specific understanding of the fate and faith or disbelief of individuals.

**Keywords:** Mutawassimin, insight, wilayah, semantic components

---

\* Date of receipt: 15/12/2023, Date of acceptance: 28/02/2024.

1. Faculty member of the University of Quranic Sciences and Knowledge, oshriyeh@quran.ac.ir.

# مكونات المعنى لكلمة «المتوسّمين» في القرآن الكريم من منظور تطبيقي لمقام الولاية\*

رحمان عشرية<sup>١</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشی  
السنة الثانية عشرة  
العدد الثاني، الخريف  
والشتاء سنة ٢٠٢٣

jep.emamat.ir



## الخلاصة

كلمة «المتوسّمين» هي من الكلمات القرآنية التي رغم استخدامها مرة واحدة في القرآن الكريم، قد ازدادت تكراراً في مجالات علمية مختلفة. كما أنّ عدداً كبيراً من الروايات سعت لتوضيح مفهومها ومصداقها، وقد حصلت على مكانة خاصة في الأدب الحديث والعقائدي والعرفاني. بناءً على ذلك، تسعى هذه الدراسة، من خلال منهج وصفي - تحليلي، أولاً إلى البحث في مصادر علم اللغة لدراسة المعنى اللغوي، وقد تمّ السعي لتوضيح المعنى الموضوع لهذه الكلمة. ثمّ تمّ التركيز على مكونات المعنى لهذه الكلمة في مقام الاستخدام والاستعمال القرآني وتقييمها دلاليًا. في المرحلة التالية، تمّ التركيز على معرفة مصاديق المكونات المذكورة، وفي هذا السياق تمّ النظر في الروايات التي صدرت لتفسير هذه الكلمة، وتمت دراسة مصداقيتها بناءً على ذلك، وتمت دراسة استظهارية الروايات لمعرفة المعنى الحقيقي والجدي للقرآن الكريم من هذه الكلمة. وفي المرحلة النهائية، تمّ التأكيد على أنّ التوسّم يدلّ على خاصية مميزة للأئمة عليهم السلام، والتي تنتقل من معصوم إلى آخر بناءً على مقام ولايتهم. وهذه المعرفة هي نوع من العلم الخاص بمصير وإيمان وكفر الأفراد.

الكلمات الرئيسية: المتوسمين، الفراسة، الولاية، مكونات المعنى.

\* تاريخ التسلم: ١٥ ديسمبر ٢٠٢٣، تاريخ القبول: ٢٨ فبراير ٢٠٢٤.

١. عضو هيئة التدريس في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، oshryeh@quran.ac.ir.

# مؤلفه‌های معنایی واژه «مُتَوَسِّمِينَ» در قرآن کریم با رویکرد تطبیقی به مقام ولایت\*

رحمان عشریه<sup>۱</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی  
امامت پژوهی، سال دوازدهم  
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۲  
پاییز و زمستان ۱۴۰۱  
صفحه ۹۱ - ۱۱۲

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright© the authors

## چکیده

واژه «مُتَوَسِّمِينَ» از واژگان قرآنی است که علی‌رغم استفاده یک‌باره آن در قرآن کریم در حیطه‌های مختلف علمی بسامد پیدا کرده است. شمار قابل توجهی از روایات نیز سعی در تبیین مفهوم و مصداق آن دارند و در ادبیات حدیثی، اعتقادی و عرفانی نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. براین پایه پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، نخست به جست‌وجو در منابع علم لغت به بررسی مفهوم لغوی این واژه پرداخته و سعی گردیده است موضوع‌له معنای لغوی این واژه تبیین گردد. سپس مؤلفه‌های معنایی این واژه در مقام کاربرد و استعمال قرآنی مورد توجه و ارزیابی معنایی شده است. در مرحله بعد، شناخت مصادیق عینیت‌یافته مؤلفه‌های مذکور مد نظر قرار گرفته و در این راستا روایاتی که در تفسیر این واژه صادر شده‌اند، محط نظر و بررسی مصداقی قرار گرفته و بر اساس آن، به بررسی استظهاری روایات پرداخته شده تا مراد حقیقی و جدی قرآن کریم از این واژه معلوم گردد. و در مرحله نهایی تأکید شده است که توسّم حاکی از خصوصیتی ممتاز برای ائمه علیهم‌السلام است که وابسته به مقام ولایت آن‌ها از معصومی به معصومی دیگر منتقل شده است. این دانش نوعی علم خاص به سرنوشت و ایمان و کفر افراد است.

**واژگان کلیدی:** متوسّمین، فراست، ولایت، مؤلفه‌های معنایی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، oshryeh@quran.ac.ir.

## مقدمه

واژه «متوسمین» یک بار در آیه ۷۵ سوره «حجر» به کار رفته است. با این که این واژه تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است، دیده می شود که شمار قابل توجهی از روایات سعی در تبیین مفهوم و مصداق آن دارند و در ادبیات حدیثی، اعتقادی و عرفانی نیز جایگاه ویژه ای پیدا کرده است.

بر این پایه، تحقیق پیش رو پژوهشی لغوی، معناشناختی، تفسیری و روایی در ارتباط با واژه «متوسمین» است که ارائه شناختی روشمند و دقیق از این واژه را بر عهده گرفته است. بر این پایه، در این مقاله در مرحله نخست برای دستیابی به مؤلفه های معنایی این واژه، با جست و جو در منابع علم لغت سعی گردیده است موضوع له معنای لغوی این واژه تبیین گردد. سپس نگارنده در مرحله دوم به سراغ تبیین مؤلفه های معنایی این واژه در مقام کاربرد و استعمال رفته و با الهام از روشی که توشی هیکو ایزوتسو<sup>۱</sup> بنا نهاده است، این واژه در نظام معنایی قرآنی خود بررسی گردیده است. در این مرحله پس از ترسیم نموداری از حوزه معنایی که واژه «توسم» در نقطه کانونی آن قرار دارد، بعضی از واژگانی که در تبیین مؤلفه های معنایی این واژه در استعمالات قرآنی تأثیر دارند، به روش تحلیل مقایسه ای بررسی می گردند. واژگانی که مطرح شده اند عبارتند از: «اولوا الأبصار»، «ناظرین»، «مؤمنین» و «آیات». در مرحله سوم با هدف دستیابی به مراد حقیقت و عینیت یافته واژه «متوسمین»، رویکردی تطبیقی برای یافتن مصادیق این واژه پی گرفته می شود. در این بخش روایات تفسیری بررسی شده و از برآیند تطبیقات ارائه شده و تبییناتی که در مرحله دوم صورت می گیرد، توصیفات از معنای عینیت یافته و مراد حقیقی خدای متعال از کاربست این واژه ارائه می گردد. این مرحله در حقیقت، تکامل بخش روشی است که ایزوتسو و دیگران با رویکرد معناشناختی خود سعی در فهم دقیق و همه جانبه آیات قرآنی داشته اند. مدعای نگارنده آن است که تنها با در کنار هم قرار دادن تلاش هایی که در جنبه های مذکور صورت می گیرد، می توان به معناشناسی کامل

۱. توشی هیکو ایزوتسو (۱۹۱۴-۱۹۹۳ م.)، زبان شناس، فیلسوف و قرآن پژوه ژاپنی است. او برای نخستین بار قرآن کریم را از زبان عربی به ژاپنی ترجمه کرد.

دست یافت و این چنین تلفیقی می‌تواند مسیر هدایتی را که مد نظر خدای متعال بوده است، به اندازهٔ وسع و علم قاصر بشری خود پیگیری کند و اکتفا به مسیری که در هر کدام از مراحل طی می‌شود در این جهت قاصر است و نمی‌تواند به اهداف علمی و معرفتی مد نظر از آیات قرآن راه یابد.

### پیشینه تحقیق

آثار پژوهشی موجود در حوزهٔ معنایی «متوسمین» بیشتر در کتب تفسیری و یا مباحث عرفانی صورت گرفته است؛ از جمله: کتاب معناشناسی واژگان قرآن کریم، که نویسنده ذیل عنوان «متوسمین» به نکاتی در تبیین واژهٔ مربوطه اشاره کرده است که غالباً مربوط به معناشناسی این واژه در حوزهٔ معنایی واژگان عرفانی و صوفیه است؛<sup>۱</sup> و نیز مقالهٔ «مفهوم «فراست» در گفتمان عرفی و عرفانی» که نویسنده به صورت گذرا به مفهوم «توسم» اشاره کرده است؛<sup>۲</sup> و نیز در تحقیقی که محمود واعظی در مورد جایگاه آینده‌پژوهی در قرآن کریم نگاشته، «متوسمین» واژه‌ای کلیدی در آینده‌پژوهی در قرآن کریم معرفی شده است. به همین مناسبت پس از بررسی معانی این واژه در لغت و تفاسیر بیان می‌گردد که «متوسمین» دارای مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مطلوب انسانی، همچون: دوراندیشی، عبرت‌گیری و تدبیر هستند که همگی ابزار بسیار مهمی برای آینده‌پژوهی تلقی می‌شوند.<sup>۳</sup> در تحقیق حاضر، نگارنده با بهره‌گیری از روش‌های توصیه‌شده در شناخت مؤلفه‌های واژگان، رویکردی تطبیقی در روایات را در پیش گرفته و به دنبال مصادیق آن و جایگاه این صفت در شاکلهٔ شخصیت انسان‌های کامل، روایات را مورد بررسی قرار داده است.

### واژه‌شناسی

در این بخش واژگان مربوط به عنوان تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. عضیمه، صالح، مصطلحات قرآنیة، ص ۱۷۱-۱۷۷.

۲. ر.ک: نیکویی، علیرضا؛ بخشی، اختیار، «مفهوم «فراست» در گفتمان عرفی و عرفانی»، ادب‌پژوهی، ۲۸-۷/۱۳.

۳. واعظی، محمود، و قوام، زینب‌سادات، «جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات»، بصیرت و تربیت اسلامی، ۷۱/۳۴.

## ۱. مؤلفه‌های معنایی

در معناشناسی هر واژه‌ای این نکته قابل توجه است که آن کلمه با یک سری از واژه‌ها دارای روابط مفهومی است؛ در یک سری از عناصر معنایی مشترک است و در بعضی از آن‌ها متمایز. برای بررسی روابط مفهومی می‌توان از روش فهم مؤلفه‌های مفهومی بهره برد.<sup>۱</sup> نگارنده در این پژوهش بنا دارد که با ارائه نگاهی کلی به حوزه معنایی واژه «توسم» و سپس بررسی بعضی از واژگانی که در شناخت مؤلفه‌های معنایی آن می‌توانند تأثیرگذار باشند، در جهت شناخت معنای این واژه، به اهداف مد نظر دست یابد.

## ۲. ولایت

اصطلاح «ولایت» در معارف اسلامی و به خصوص در مذهب امامیه، از مهم‌ترین عناوین است. این واژه از ریشه «ول ی» است. برای این ریشه معانی متعددی ذکر کرده‌اند که بررسی لغوی این واژه در حوصله نوشتار پیش رو نمی‌گنجد. تفاسیر و تعابیر مفصل و گوناگونی نیز برای توضیح این اصطلاح ذکر شده است. علامه طباطبائی در ذکر معنایی کلی از واژه «ولایت»، آن را نوعی قرب خاص میان دو شیء دانسته است که هیچ واسطه‌ای که از جنسی دیگر باشد میان آن‌ها نباشد.<sup>۲</sup> در عبارات فقها و متکلمان شیعه، اصطلاح «ولایت اهل بیت» در چند معنا به کار رفته است. شهید مطهری این معانی را در چهار دسته تقسیم می‌کند: «لزوم محبت ویژه نسبت به ایشان»، «عهده‌داری زعامت و اداره جامعه»، «مرجعیت دینی مسلمانان»، و «مقام معنوی و قدسی، به خصوص که نوعی اقتدار و تسلط تکوینی برای ایشان ایجاد می‌کند». در واقع این معنای چهارم حاکی از مقامی شگفت و ویژه است. شهید مطهری این معنا را عالی‌ترین معنای ولایت و امامت می‌داند.<sup>۳</sup> عرفا در مقام بیان ضرورت نیاز به امام، بر این جنبه از خصوصیات امام توجه کرده‌اند. آن‌ها وجود این ویژگی در امام را در سلوک الی الله برای مأمومین لازم دانسته و تأکید کرده‌اند که

۱. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، ص ۲۸۰.

۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۶.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۲۷۱/۳.

فقط کسی که خود در مقام قرب الهی و بالاترین مقام انسانی قرار گرفته باشد، می‌تواند نیاز انسان به رشد و تقرب به خدای متعال را برطرف کند و راهبر او باشد. شایان ذکر است که در این نوشتار همین معنای اخیر از امامت مد نظر قرار گرفته است.

### مؤلفه‌های معنایی واژه «متوسمین»

مؤلفه‌های معنایی واژه «متوسمین» در دو محور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ محور نخست، جست‌وجو در منابع کتب لغت و دست یافتن به معنای لغوی این واژه است؛ و محور دوم، بررسی این واژه در نظام کلانی، در کنار سایر واژگان، مورد ارزیابی و تحلیل معنایی قرار می‌گیرد.

#### ۱. بررسی لغوی واژه «متوسمین»

واژه «متوسمین» تنها یک بار در آیه ۷۵ سوره حجر: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ» به کار رفته است. این واژه از ریشه «و س م» است. وقتی شیء داغی بر چهره حیوان یا برده‌ای می‌گذارند، اثری از آن به جامی ماند که به آن «وسم» گویند.<sup>۱</sup> این ریشه در قرآن کریم و در آیه شانزدهم سوره مبارکه «قلم» در همین معنا به کار رفته است. خدای متعال در این آیه، درباره افراد معاندی که در آیات پیشین صفات آن‌ها را ذکر کرده است، می‌فرماید: «سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطومِ»؛ یعنی به زودی بر بینی او داغ می‌نهم. منظور از این امر، خوار کردن و قرار دادن نشانه ننگ و ذلت بر چهره این دشمنان است.<sup>۲</sup> با این وصف باید گفت که ریشه «وسم» در حقیقت برگرفته از اثری است که از داغ بر چهره حیوان باقی می‌ماند و از این طریق قابلیت شناسایی پیدا می‌کند. از این رو، واژه «توسم» که ساخت صرفی این ریشه در وزن «تفعّل» است، می‌تواند به معنای بهره‌برداری از این نشانه و رهگیری معنا از نشانه باشد.

افزون بر این، در کتب لغت شواهد متعددی از کاربرد این واژه ذکر شده است که همگی معانی نزدیکی را می‌رسانند که عبارت باشد از: شناخت نشانه و علامت‌ها.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۶۳۵/۱۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۳۸۸/۲۴.

«اتَّسَمَ الرجل» به این معناست که شخص برای خودش نشانه‌ای قرار دهد که دیگران با آن نشانه او را بشناسند. «توسمْتُ فيه الخير» بدین معناست که در او نشانه‌های خیر و خوبی را یافتیم.<sup>۱</sup> همچنین به زمان حج «موسم الحاج» گفته می‌شود، به این دلیل که زمان شناخته شده و اعلام شده‌ای است که مردم در آن هنگام گرد هم جمع می‌شوند.<sup>۲</sup> اثر نخستین باران سال را «وسمی» می‌نامند. راغب تذکر می‌دهد که این فعل در زمانی به کار می‌رود که اثرات این باران روی شاخ و برگ‌های گیاهان باقی مانده باشد.<sup>۳</sup>

در تفاسیر ادبی که تبیین معنای لغوی کلمات را تا حدودی مد نظر قرار داده‌اند، ذیل آیه ۷۵ سوره «حجر» از قول مفسران سده نخست هجری، توضیحات مختصری درباره معنای لغوی و قرآنی این واژه ذکر شده است. قتاده «متوسمین» را «معتبرین» معنا کرده است و ضحاک «ناظرین». مجاهد نیز «متوسمون» را هم معنا با «متفرسون» دانسته است.<sup>۴</sup> و ابو عبیده معنای واژه «متوسمین» را در آیه، به وسیله واژه «متبصرین» توضیح داده. اخفش نقل می‌کند: نهشل از ابن عباس شنیده است که او «متوسمین» را افرادی که اهل صلاح و خیرند معرفی می‌کند.<sup>۵</sup> در برخی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، این واژه با کلمه «هوشیاران» ترجمه شده است.<sup>۶</sup> اما به نظر می‌رسد که این تلاش‌ها در حیطه معنای لغوی این واژه نیست و بیشتر ناظر به معنای اصطلاحی یا استعمالی آن در قرآن کریم بوده و جایگاهی در مجال لغت‌شناسی و تشخیص معنای وضعی واژه ندارند.

## ۲. معناشناسی «متوسمین» در حوزه زبانی

پس از گذراندن مرحله نخست، که شناخت معنای وضعی و لغوی واژه «متوسمین» باشد، باید به سراغ قدمی مهم‌تر و اساسی‌تر رفت؛ که آن مرحله عبارت است از: شناخت معنایی که گوینده یا نویسنده از آن واژه در میانه عبارات و کلمات خود اراده

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، «و س م».

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۱۰/۶.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۴۵۷/۴.

۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۳۷/۳.

۵. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۹۱/۲.

۶. ر.ک: ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و ترجمه آیت الله مشکینی.

کرده است. به تعبیر دانشمندان علم اصول، هدف محققان در فهم بیانات نویسندگان، دست یافتن به مراد استعمالی اوست که در مرتبه‌ای بعد از شناخت معنای لغوی کلمه است؛ زیرا متکلم می‌تواند با توجه به قرائن و شواهدی که به کلام خود اضافه می‌کند یا در بستر عبارات او وجود دارد، معنایی اعم یا اخص از معنای وضعی واژه را اراده کند. در حقیقت، در حوزه معارف اسلامی آنچه موضوعیت دارد و خود دارای اهمیت است، درک مراد گوینده یا نویسنده است که می‌تواند فراتر از معنای لغوی واژگان باشد. در راستای دست یافتن به چنین معنایی، دانشمندان مختلف به تلاش‌هایی قابل ستایش دست زده‌اند که در اینجا به روشی که ایزوتسو، دانشمند معروف علم زبان‌شناسی، بر پایه آیات قرآن کریم ارائه داده است، توجه بیشتری می‌شود. او به دنبال ارائه راهکاری روشمند برای معناشناسی آیات قرآن کریم بر اساس مکتب زبان‌شناسی «بن آلمان» بود. در این جهت، «میدان معناشناختی» یا «حوزه معنایی» عبارتی بود که ایزوتسو نخستین بار آن را در مورد واژگان قرآن کریم به کار گرفت.<sup>۱</sup> در پژوهش‌های معناشناختی معاصر، با ارائه اصطلاح حوزه‌های معنایی، واژگانی که بیانگر تصویری کلی و مشترک هستند در قالب حوزه معنایی در کنار هم گردآوری می‌شوند.<sup>۲</sup> بررسی این واژگان در کنار یکدیگر می‌تواند روشن‌کننده دقایق معنایی هر کدام باشد. به بیان ایزوتسو، هر میدان معناشناسی نماینده یک حوزه تصویری است که در زبان وجود دارد. در حقیقت، در نگاه او زبان می‌تواند لایه‌های مختلفی از ارتباطات و معانی به هم پیوسته داشته باشند که در هر یک از این لایه‌ها، واژه‌ای کلیدی به عنوان نماینده آن حوزه تصویری یا آن لایه معنایی است. کلمه کلیدی مذکور در ترجمه فارسی با عنوان «کلمه کانونی» معرفی شده است. این حوزه‌های معنایی می‌توانند کوچک و بزرگ باشند و یا با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند.<sup>۳</sup> اگر واژه «توسم» به عنوان کلمه کلیدی در نظر گرفته شود، می‌توان حوزه معنایی مربوط به آن را در قالب تصویر پیش رو ترسیم کرد. کلمات موجود در این شکل، عمده واژگان کلیدی مربوط به مفاهیم این حوزه معنایی هستند که می‌توان آن‌ها را در یک حوزه معنایی و با مرکزیت واژه «توسم» اعتبار نمود.

۱. پاکتچی، احمد، درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی، ص ۱۱۸-۱۳۲.

۲. ایزوتسو، توشی‌هیکو، خدا و انسان در قرآن، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۲۲.

أولو الألباب:  
﴿أَمَّا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (رحم: ۹)

نظرو نگاه:  
﴿فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (روم: ۵۰)

أولو الألباب:  
﴿يُخْرِطُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَنذَابِهِمْ  
وَأَنذَى الْمُؤْمِنِينَ فَاقْتَبِرُوا يَا أُولِي  
الْأَبْصَارِ﴾ (حشر: ۳)

تفكر:  
﴿تَفَعَّلَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ  
يَتَفَكَّرُونَ﴾ (يونس: ۲۴)

مفاهيم عام و همگانی در  
حیطه هوشمندی و دقت نظر  
برای استفاده از آیات الهی  
و عبرت های موجود

تفسیر:  
﴿أَنَّ فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّمَنْ يَشَاءُ﴾  
قال هم الأنفة عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اتقوا فراسة  
المؤمن فإنه ينظر بنور الله عز وجل في قول الله تعالى  
﴿أَنَّ فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّمَنْ يَشَاءُ﴾ (كافى ج ۱/ص ۲۱۸)

عبره:  
﴿يُنَالِقُ اللَّهُ الْأَلْبَابَ وَالْقَوْمَ الَّذِينَ فِي ذَلِكُمْ لَعْنَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (نور: ۲۴)  
در موارد بسیاری دیده می شود که به دستهای از پدیده ها که دستور به توجه به آن ها شده است،  
واژه عبرت اطلاق می شود. در حقیقت قرآن کریم دستهای از مباحثی آموزنده را عبرت نامیده است.

آیات:  
﴿أَنَّ فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّمَنْ يَشَاءُ﴾ (حجر: ۷۵) قرآن  
کریم در فقرات متعددی آنچه را مایه افزایش فهم  
و درک انسان هاست آیات خود می نامد.

عاطفین:  
﴿ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا  
عَنْهَا عَاقِلِينَ﴾ (اعراف: ۴)

مستهوئین:  
﴿ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ أَتَوْكُم بِآيَاتِ اللَّهِ  
مُؤْتَرِينَ﴾ (جاثیه: ۳۵)

معرضین:  
﴿وَأَتَيْنَاهُم بِآيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا  
مَعْرَضِينَ﴾ (جاثیه: ۳۵)

ایمان:  
﴿أَنَّ فِي ذَلِكَ آيَةً لِّمَنْ يَشَاءُ﴾ (حجر: ۷۷)  
ایمان به انسان ها هوشمندی و درکی  
اعطا می کند که اشخاص بی ایمان از هجده  
آن عاجز هستند.

مفاهيم خاص در حیطه  
هوشمندی و استفاده از آیات  
الهی و عبرت های موجود

مناشئ درک مفاهيم الهی  
توسم  
مفاهيم مربوط به موانع درک  
آمرزهای الهی از مباحثی آن

با روشن شدن جایگاه واژه «توسّمین» در یک نظام معنایی، شناختی کلان و جامع از مفهوم و معنای این واژه به دست می‌آید. طبیعتاً روشن شدن ظرایف معنایی، مرهون دقت نظر بیشتر و مقایسه هرکدام از واژگان با یکدیگر است. از این طریق هرکدام از واژگان، مؤلفه‌های مشترک و متفاوت خود را نمایان می‌کنند. از این رو، برای روشن شدن مؤلفه‌های واژه «متوسّمین»، که استعمال قرآنی و معارفی آن اراده شده است، به مقایسه «متوسّمین» با بعضی از واژگان این حوزه معنایی پرداخته می‌شود.

## ۱.۲. اولوا الأبصار و متوسّمین

یکی از تعبیرات کلیدی و شاخص قرآن کریم، تعبیر «اولوا الأبصار» است. این عنوان در سه آیه به کار رفته است و در هر سه آیه، «اولوا الأبصار» کسانی‌اند که از یک پدیده طبیعی یا واقعه اجتماعی درس گرفته و به معانی اساسی دست پیدا می‌کنند. در مورد ارتباط واژه «متوسّمین» با مشتقات ریشه «بصیرت» می‌توان به بیان ابو عبیده اشاره کرد که او در ذیل آیه ۷۵ سوره حجر، کلمه «متوسّمین» را به «متبصرین» معنا کرده است.<sup>۱</sup> بیان او حتماً به دلیل وجود مشترکات معنایی قابل توجه میان واژگان مذکور است.

ابتدا توضیح مختصری از ریشه «بصر» ارائه می‌گردد. خلیل بن احمد «بَصْر» را به «چشم» معنا کرده و معنای دیگر آن را «نفوذ در قلب» دانسته است.<sup>۲</sup> ابن سیده نیز آن را به «حسّ بینایی» معنا کرده و سپس ضمن توضیح واژه «بصیرت» که از مشتقات این ریشه است، «عقیده قلبی» را نیز در معنای آن ذکر کرده است.<sup>۳</sup> برحسب جست‌وجوی نگارنده، در قرآن کریم ۱۴۸ بار مشتقات ریشه «بصر» به کار رفته است و از این میان، چهل بار آن در مورد بینایی و آگاهی خدای متعال نسبت به اعمال انسان‌ها به کار رفته است. حال آن‌که ریشه‌های دیگری مثل «نظر» یا «رأی» نیز برای رساندن معنای دیدن و مشاهده کردن قابل استفاده‌اند، اما کاربرد آن‌ها در این جایگاه به طور قابل توجهی کمتر است. گویا واژه «بصیرت» حاکی از فهمی است

۱. ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، ۳۵۳/۱.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۱۱۷/۱۷.

۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الأعظم، ۳۱۵/۸.

که با علم الهی سازگارتر از سایر واژگان است. در حقیقت، واژه «بصیرت» متکفل حکایت از فهمی همه جانبه، دقیق و بدون شائبه، که از خصوصیات علم حضوری است، شده است.

برای فهم این مؤلفه معنایی خاص که باعث چنین کاربرد چشمگیری در کل قرآن کریم شده است، می توان به چند کاربرد دیگر از این ریشه در سایر آیات اشاره کرد. واژه «بصیرت» در دو جا به کار رفته است و در هر دو مورد، آگاهی کامل و شناخت بسیار روشن، مد نظر آیه است. یک مورد در سوره مبارکه «قیامت» است که خدای متعال فرموده است:

﴿بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۗ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرُهُ﴾؛ بلکه انسان خودش

از وضع خود آگاه است؛ هرچند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد.

در این آیات این نکته یادآوری می گردد که انسان ها همگی بر نفس خود آگاهند. اگرچه درباره اعمالی که انجام داده اند عذرهایی می آورند، اما خودشان از واقعیت های درون خود مطلع هستند. به تعبیر علامه طباطبائی، «بصیرت» در آیه، به معنای رؤیت قلب و فهم باطنی است. در واقع اطلاق «بصیرت» به انسان یا از باب تعبیر مشهور «زید عدل» مبالغه در آگاهی است، گویا خدای متعال فرموده است که انسان خودش رؤیت قلبی بر خودش است؛ یا یک کلمه در تقدیر است و عبارت در اصل این چنین بوده که: انسان دارای فهم باطنی بر خودش است.<sup>۲</sup>

استعمال دیگر واژه «بصیرت» در سوره مبارکه «یوسف» است. خدای متعال در این آیه فرموده است:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا

أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ بگو: این راه من است. من و پیروانم، با بصیرت

کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم. منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.

خداوند در این آیه به پیامبر گرامی اسلام ﷺ دستور می دهد که به مردم بگوید:

۱. قیامت: ۱۴.

۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۶/۲۰.

۳. یوسف: ۱۰۸.

این راهی است که از روی آگاهی و شناخت کامل به آن دعوت می‌کنم. معلوم است که در سایه الطاف الهی، آگاهی رسول گرامی اسلام ﷺ از دین اسلام، کامل و همه‌جانبه است.

این دو شاهد از آیات، به همراه توجه به استعمال پرکاربرد این معنا در مورد آگاهی خدای متعال نسبت به اعمال انسان‌ها، محقق را به قضاوتی مشخص در مورد مؤلفه ممیز ریشه «بصیرت» در مقایسه با سایر کلمات این حوزه معنایی می‌رساند. به نظر می‌رسد این واژه قرآنی درباره آگاهی کامل و واضح، به گونه‌ای که گویا چیزی در کنار انسان است و آن را به‌طور کامل می‌بیند، به کار رفته است و این نکته مؤلفه ممیز و ویژگی ممتاز در معنای واژه «بصیرت» است. به این ترتیب، واژه «متوسمین» که در سیاقی مشابه با کاربردهای بصیرت به کار رفته است، اگرچه در مؤلفه کسب آگاهی از طریق نگاه، مشترکند، اما از این جهت که مبتنی بر شهود باطنی باشد یا این که بر پایه آثار ظاهری حاصل شود و نیز از این جهت که منتهی به علمی واضح و کامل می‌گردد یا نه، با یکدیگر متمایز هستند. در این باره باید گفت شواهدی که متعلق نگاه را در واژه «متوسمین» ظواهر اشیا می‌داند، به تعداد قابل توجهی است. همچنین از شواهد پیش‌گفته نسبت به هر دو واژه برمی‌آید که نگاه متوسمین، نکته‌سنج و ظریفانه است و نگاهی که با واژه «بصیرت» به کار می‌رود حاکی از علمی کامل و همه‌جانبه همچون علم حضوری است.

## ۲.۲. ناظرین و متوسمین

ریشه «نظر» از واژگانی است که در یک حوزه معنایی به همراه واژه «توسم» قابل اعتبار هستند. کلمات دانشمندان حاکی از قرابت معنایی دو واژه است؛ برای مثال، ضحاک از مفسران قرن نخست هجری، «متوسمین» را به «ناظرین» معنا کرده است.<sup>۱</sup> در قرآن کریم گاهی ریشه «نظر» به معنای نگرشی که به دیده اعتبار باشد، به کار رفته است؛ برای نمونه، خدای متعال در آیه «انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا»<sup>۲</sup>؛ ببین چگونه بعضی را (در دنیا به خاطر

۱. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۹۱/۲.

۲. اسراء: ۲۱.

تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم؛ درجات آخرت و برتری هایش، از این هم بیشتر است، دستور به دیدن برتری‌های بعضی از افراد نسبت به دیگران داده است که هدف از این دستور، پندگیری و عبرت‌پذیری است و نه چیزی دیگر!<sup>۱</sup>

در قرآن کریم ریشه «نظر» در حدود ۱۱۵ بار ذکر شده است که می‌توان گفت تقریباً در سی مورد از آن، نگاهی که همراه با تفکر و اعتبار باشد، مد نظر است. در مورد آیه ۷۵ سوره حجر که واژه «متوسمین» به کار رفته است، بنا بر قول ضحاک که پیش‌تر ذکر شد، گویا معنای عبارت چنین است که: در آثار قوم لوط نشانه‌هایی برای ناظرین وجود دارد. بعضی از مفسران پس از نقل قول ضحاک و به مناسبت آن و بعضی به‌طور جداگانه، از یک شاهد شعری برای توضیح معنای واژه «توسم» استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> این بیت سروده طریف بن تمیم عنبری است و در کتب مختلف ادبیاتی برای منظوره‌های مختلف مورد استناد قرار گرفته است. متن شعر از این قرار است: «أو کلمًا وردت عکاظ قبيلة بعثوا إليّ عریفهم یتوسم».<sup>۳</sup> شاعر توضیح می‌دهد که هر قبیله‌ای وقتی وارد بازار عکاظ می‌شد، رئیس و شخص بسیار مطلع خود را می‌فرستادند تا از روی چهره، او را پیدا کنند و برای خون‌خواهی ببرند. به این ترتیب، در این شاهد شعری، واژه «یتوسم» به معنای تشخیص فرد شناخته‌نشده از روی چهره، معنا شده است.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر، با توجه به آنچه در گفتارهای پیشین ذکر شد، همان‌گونه که واژه «متوسمین» مستلزم تفکر و تعقل است، در عین حال موضوع این تفکر آن چیزی است که از نگاه و مشاهده افراد و اشیا حاصل می‌شود.

۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، ۶۵۶/۲؛ کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۲۶۵/۵؛ طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۳۲۱/۸.

۲. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ۴۹۱/۶؛ فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۹۱/۲؛ ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، ۳۴۶/۵.

۳. سیبویه، عمرو بن عثمان، کتاب سیبویه و یلیه تحصیل عین الذهب، من معدن جوهر الأدب فی علم مجازات العرب، ۲۵۵/۲؛ معافری، سعید بن محمد، کتاب الافعال، ۶۳/۱.

۴. عرفان، حسن، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ۱۲۴/۱.

## ۳.۲. آیات و متوسمین

در قرآن «آیه» به معنای «عبرت» به کار رفته است. خدای متعال فرموده است: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً»<sup>۱</sup>؛ و ما فرزند مریم [عیسی] و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم.<sup>۲</sup> ابن منظور وجود آیات در داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را به معنای وجود عبرت‌های مختلف در این داستان می‌داند.<sup>۳</sup> ابوهلال عسکری می‌نویسد: به علامت‌های ثابت و پایدار «آیه» گفته می‌شود.<sup>۴</sup> از این بیانات و تعبیر به نظر می‌رسد که می‌توان گفت در قرآن کریم آیات، علائم ثابت و پایداری هستند که مایه پندپذیری و عبرت‌گیری قرار می‌گیرند.

در آیه ۷۵ سوره حجر، کلمه «متوسمین» به واسطه حرف جاره «لام» متعلق به «آیات» قرار گرفته است، یا در بیان دیگر معتلق به وجود تامه‌ای است که واژه «آیات» را توصیف می‌کند.<sup>۵</sup> حرف «لام» نظر به معنای غالبی آن، معنای اختصاص را میان این آیات و متوسمین برقرار کرده است.<sup>۶</sup> یعنی پند گرفتن از نشانه‌هایی که در آیات پیشین ذکر شده‌اند، به «متوسمین» اختصاص دارد. علامه طباطبائی تصریح کرده است که منظور از «آیات» در این آیه، بقایایی است که از دوران زندگی قوم لوط برجا مانده است. در واقع دقت در آثار تاریخی برجمانده، مفاد آیه یادشده است.<sup>۷</sup> این بیانات و سیاق آیات حاکی از آن است که «متوسمین» کسانی هستند که با دیدن این خرابه‌ها و سازه‌های ویران شده که به ظاهر هیچ نکته‌ای ندارند، به حقیقت ماجرا که قهر و عذاب الهی برای قوم لوط و امثال آن‌هاست، پی می‌برند. شاید به همین دلیل باشد که ایشان «متوسمین» را کسانی معرفی می‌کند که از سیمای اشیا به حقیقت

۱. مؤمنون: ۵۰.

۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الأعظم، ۵۹۳/۱۰.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۶۲/۱.

۴. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، ص ۶۲.

۵. درویش، محی‌الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، ۲۵۵/۵.

۶. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، مغنی اللیب، ۲۰۸/۱.

۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۸۵/۱۲.

آن‌ها پی می‌برند.<sup>۱</sup> همین‌طور زمخشری نیز «متوسمین» را کسانی می‌داند که با نگاه خود، به حقیقت ظاهر و عنوان یک شیء پی می‌برند.<sup>۲</sup> به این ترتیب، به نظر می‌رسد انتقال از ظواهر اشیا به معانی دقیق و حقایق پنهان آن، خصیصه‌ای است که معنای واژه «متوسمین» را از سایر واژگانی که در همین سیاق به کار می‌روند، جدا می‌سازد.

### تطبیق مصداق واژه «متوسمین»

برای تکمیل شناخت خود از آیه شریفه، برای دست یافتن به معانی مد نظر نویسنده و تکمیل مسیر هدایتی که او در نظر گرفته است، باید نگاهی تطبیقی بر مصداق عینیت یافته داشت تا پژوهشی کامل، دقیق و جزئی‌نگر در مورد آیه شریفه صورت گرفته باشد؛ از این رو، لازم است با رجوع به منابع موجود، بررسی تطبیقی نسبت به معنای واژه «متوسمین» صورت بگیرد. به بیانی دیگر، تا بدین جا مؤلفه‌های معنایی واژه «متوسمین» به اندازه قابل توجهی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفت و نکاتی از این رهگذر برای شناخت معانی مراد از این واژه قرآنی و ارتباطات آن در نظامی از معانی که متعلق به آن است، به دست آمد. پس از این امر، مرحله‌ای ضروری و مهم، شناخت مصداقی موصوفان به این صفت است. در حقیقت، با توجه به این که بخشی از اهداف آیه مذکور در شناخت توصیفات مطلوب و توصیه به ایجاد آن‌هاست، یافتن مصداقی که این ویژگی‌ها را به حسب ظرفیت و توان خود به دست آورده‌اند نیز تکمیل‌کننده اهداف و روشن‌کننده مسیر معنای مراد خدای متعال است؛ به طوری که شناختی که پیش از این تلاش حاصل می‌شود، معرفتی ناقص و ناتمام از آیه شریفه تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، پیمودن مرحله‌ای تطبیقی برای دست یافتن به مراد جدی خدای متعال از آیه شریفه، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا می‌توان روایات تفسیری را در این باره به سه دسته تقسیم کرد که دسته نخست صرفاً حاکی از تطبیق این ویژگی بر بعضی مؤمنان است و دو دسته دیگر، آن را برائمه طاهربین عليه السلام تطبیق می‌دهند. در ادامه به توضیح هر کدام از دسته‌های مذکور پرداخته می‌شود.

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۸۵/۱۲.

۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۵۸۶/۲.

## ۱. روایات تطبیق «متوسمین» بر مؤمنان متفرس

در برخی از روایات تفسیری واژه «متوسمین» به عموم مؤمنانی که خدای متعال به آن‌ها نوعی از دانش و فهم به نام «فراست» عطاء نموده، تطبیق داده شده است. در رابطه با تفسیر آیه ۷۵ سوره «حجر» برخی دانشمندان از احادیث مربوط به «فراست مؤمن» که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ صادر شده است، سخن گفته‌اند. شیخ کلینی و برخی دیگر از محدثان و مفسران در تفسیر واژه «متوسمین» روایتی را نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ»؛ از برخورد بی‌باکانه با مؤمنان خودداری کنید؛ چراکه او به وسیله نور الهی به اشیا نظر می‌کند.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر با مضمونی نزدیک، نقل شده است که: مؤمن به واسطه امتیازی با نام «توسم»، انسان‌ها را می‌شناسد.<sup>۲</sup> این که مفسران این دو روایت را در کنار یکدیگر نقل کرده‌اند گویای این نکته است که کلیدواژه‌های مذکور در این دو روایت، یعنی «فراست» و «توسم» را در معنایی بسیار نزدیک به هم دیده‌اند. اما پرسش مهم در تکمیل معناشناسی این واژه این است که: «تفرس» به چه معنایی است که مؤمنان بافراست، از مصادیق مورد توجه روایات برای واژه «متوسمین» هستند؟ در پاسخ به نظر می‌رسد فراست، قدرتی است که به انسان توانایی درک حقایق پنهان را می‌دهد. نتیجه این خصیصه، دستیابی به نوعی از علم است که مخصوص مؤمنان بوده و آن‌ها را به آنچه از نظر دیگران غایب است، آگاه می‌کند.

در حقیقت، «توسم» و «فراست» نوعی از کسب علم است که راه دستیابی به آن، به سادگی در دسترس همگان نیست و دقت در آن، به هوش و ذکاوتی فراتر از حالت عادی نیاز دارد. شاهد بر مطلب، لسان روایات پیش‌گفته است که خبر از دانش و معرفتی ویژه برای مؤمنان می‌دهد و آن را به مثابه سلاح یا سپری معرفی می‌کند که

۱. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ص ۱۴۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۱۸/۱؛ حوی، سعید، الأساس في التفسير، ۲۸۹۴/۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان في تفسیر القرآن، ۵۲۸/۶؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ۲۹۲/۲.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ۱۲۳/۲۴؛ طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ۲۰۷/۳؛ قضاعی، محمد بن سلامة بن جعفر، مسند شهاب، ۱۱۶/۲.

ایشان را حفظ می‌کند. قدرت این معرفت به اندازه‌ای است که در روایات به دیگران هشدار می‌دهد تا مراقب این خصیصه مؤمنان باشند؛ با این بیان که: فراست، علمی است که از ظاهر فرد، شکل و رنگ بدن او و نیز از اقوالش، به خلقیات، رذایل و فضایل او پی ببرند. قسمی از این علم، آموختنی و قسمی از آن به انسان الهام می‌شود.<sup>۱</sup> بر اساس شواهد مذکور به نظر می‌رسد که بتوان واژه «متوسمین» را نزدیک به قسم دوم دانست.

## ۲. روایات تطبیق مصداق «متوسمین» بر ائمه طاهریین علیهم‌السلام

روایات فراوانی، حضرات معصومین علیهم‌السلام را مصداق «متوسمین» معرفی کرده‌اند. در این روایات که به لحاظ کمی شماره‌ای بیش از سایر تفاسیر مربوط به این آیه دارند، به‌طور خاص از ائمه طاهریین علیهم‌السلام به عنوان اشخاصی که از توانایی توهم برخوردارند، نام برده شده است. این قسم از روایات را بر اساس استظهاری که از ظاهر عبارات قابل استفاده است، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: در دسته نخست، استظهار بر این است که ائمه علیهم‌السلام در زمره مؤمنان بوده و همچون همه آن‌ها و البته در مرتبه‌ای بالاتر، از مصداق متوسمین هستند. دسته دیگر، روایات پرشماری جای می‌گیرند که از آن‌ها به دست می‌آید که توهم، مقام و نعمت ویژه خدادادی است که خدای متعال به ائمه معصومین علیهم‌السلام عنایت فرموده است. در حقیقت، تفاوت دو دسته بر ویژگی کرامت‌گونه و اختصاصی توهم است که در روایات پرتعداد دسته دوم ذکر می‌گردد؛ وصفی که مختص ائمه علیهم‌السلام و بیانگر علم خاص ایشان و مربوط به جایگاه ولایت و مقام والای آنان است.

### ۱.۲. دسته نخست

از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است: هیچ مؤمنی نیست مگر آن‌که به او قدری از فراست اعطا شده است. اندازه این موهبت خدادادی بر اساس میزان ایمان، بصیرت و علم هر مؤمنی تعیین و اعطا می‌شود. سپس حضرت به آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ»

۱. بلاغی، عبدالحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر مقدمه، ص ۳۹۴.

تمسک جسته و ائمه معصومین علیهم السلام را مصداق اتم آن معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

با توجه به تطبیقاتی که بر عموم مؤمنان ذکر گردید، نکته‌ای که در تطبیق روایی بر معصومین علیهم السلام ارائه می‌گردد این است که هرچه مرتبه ایمان بالاتر باشد، برخورداری از ویژگی توّسم بیشتر است. از این هماهنگی‌ها و هم‌نشینی‌های معنایی که در روایات نیز بر آن تأکید شده است، می‌توان استنباط کرد که مهم‌ترین مؤلفه مد نظر از واژه «متوسمین» در کاربرد قرآنی و معارفی آن، مؤلفه «ایمان» است. در همین راستا باید گفت که به طور حتم، کامل‌ترین مصداق آن در این مقام، حضرات معصومین علیهم السلام هستند. نکته تکمیلی در تطبیقات روایی این واژه این است که تأکید ویژه بر ایمانی که مطلوب خدای متعال است با معرفی اسوه‌های کامل آن توأم شده تا از این رهگذر، مسیر حرکت انسان‌ها به سمت کمال مطلوب، از لحاظ شناختی و معرفتی، بی‌کم‌وکاست تبیین شده باشد.

## ۲.۲. دسته دوم

در کتاب بصائر الدرجات که از منابع اصیل و قابل توجه در کتب حدیثی سده‌های نخستین است، روایات معتبری با همین مضمون ذکر شده‌اند. در این مقام بعضی از این روایات به عنوان شواهدی بر استظهار نگارنده مبنی بر این که «توسم» در روایات، حاکی از کرامتی ویژه و مقامی مخصوص برای ائمه طاهرین علیهم السلام است، نقل می‌گردد. این ویژگی خاص در حیطه علم و دانش ائمه علیهم السلام است که واژه «توسم» حکایت‌گر علمی است که عبارت است از: اطلاع از ماوراء ظواهر انسان‌ها و مکنونات قلبی افراد. برای نمونه، در روایتی از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت امیر علیه السلام حقیقتی پنهان از زندگی عادی شخصی را ذکر کرده و او تأیید می‌کند. راوی متعجبانه از حضرت می‌پرسد: این دانش از چه باب بود؟ آیا از طریق کهنات به دست آمد؟ حضرت تأکید می‌کند که چنین نیست و علم ایشان ناشی از اطلاع به خلقتی است که خدای متعال از هزاران سال قبل داشته است. ایشان سپس آیه ۷۵ سوره حجر را تلاوت فرمودند و بیان می‌کنند که آیه شریفه در مورد کسانی که

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ۳۸۶/۵۲.

به این خلقت آگاهی دارند، نازل شده است و مصداق آن افراد در زمان‌های پیشین، رسول الله ﷺ بود، سپس امیرالمؤمنین علیؑ و بعد جانشینان ایشان.<sup>۱</sup>

در توضیح استناد به روایات در این مقام، شایسته ذکر است که برخورداری از چنین علمی دست نیافتنی و پنهان، مرتبه‌ای نیست که موهبتی عادی باشد و حتی برای مؤمنان در مقامات عالی قابل وصول باشد. همچنین تأکید حضرت بر انتقال این علم از معصومی به معصوم دیگر، نشان دهنده آن است که این علم همراه با مقام ولایت آن انوار مقدسه، منتقل می‌شود.

در روایتی دیگر از امام صادق علیؑ نقل شده است که در مراسم حج، حضرت در میانه حرکت فرمودند که: «ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج»؛ چه بسیار است ناله و شیون و چه کم است حج گزار واقعی! این کلام حضرت برای داوود رقی سؤال ایجاد کرد که آیا دعای این افراد پذیرفته می‌شود یا خیر؟ حضرت در پاسخ فرمودند: دعای دشمنان منکر ولایت حضرت علیؑ مستجاب نیست و آن‌ها مثل پرستندگان بت‌ها هستند. داوود سؤال خود را ادامه داد که: آیا شما محبتان و مبعضان خود را می‌شناسید؟ حضرت پاسخ دادند: هیچ بنده‌ای به دنیا نمی‌آید مگر این که در میان دو چشم او نوشته می‌شود که مؤمن است یا کافر. حضرت با این توضیح ادامه دادند که هرکسی بر ایشان وارد می‌شود، ایشان در میانه چشمان او می‌بینند که کافر است یا مؤمن. سپس با استناد به آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ» تأکید می‌کنند که علم به دشمنان و دوستان، برای ایشان کاملاً در دسترس است.

استظهار از این روایت نیز همچون قضیه پیشین است که علمی پنهان و غیر قابل دسترس با استناد به این آیه شریفه و با به‌کارگیری واژه «توسّم» برای حضرات معصومین علیؑ نقل شده است. به‌طور حتم این مضمون چنین استظهاری را ثابت می‌کند که توسّم در معارف اسلامی حاکی از مقامی خاص برای ایشان است.

بر این پایه، از مجموع استدلالات پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت که فقط ائمه معصومین علیؑ مصداق «مُتَوَسِّمِينَ» هستند و بر اساس شواهد و قرائنی که در

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، ۳۵۶/۱.

متن روایات در تفسیر مصادیق آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ» بیان شده است، روایات دسته دوم ناظر به روایات دسته نخست و مخصّص عمومیت آن‌هاست و معصومین عليهم السلام تنها مصادیق «مُتَوَسِّمِينَ» خواهند بود.

## نتیجه‌گیری

با بررسی واژه قرآنی «متوسمین» سعی گردید که نگاهی همه‌جانبه از مسیر بررسی موضوع لغوی این لفظ، مؤلفه‌های معنای استعمالی آن در نظام معنایی قرآنی و تطبیقات روایی آن حاصل گردد که توفیقات این نوشته، در عبارات پیش رو به‌طور خلاصه ارائه می‌گردد:

۱. با رجوع به منابع لغوی و داشته‌هایی که در این زمینه موجود است، تبیین گردید که این واژه از ریشه «وسم» به معنای داغی است که بر چهره حیوانات برای شناسایی آن‌ها زده می‌شود و «توسم» در ساخت صرفی خود به معنای رهگیری از این نشانه است. به نظر می‌رسد توسعه معنای وضعی سبب شده است که به مطلق پیگیری نشانه‌ها و بهره‌برداری از علامت‌های ظاهری «توسم» گفته می‌شود.

۲. برای شناخت معنای استعمالی این واژه در بستر نظام معنایی با بهره‌گیری از آموزه‌های روشمند موجود در زمینه شناخت حوزه‌های معنایی و درک مؤلفه‌های معنایی کلمات در نظام معنایی کلان آن‌ها، تحلیلی مقایسه‌ای و معناشناختی میان واژه «توسم» و بعضی واژگان همان حوزه معنایی صورت گرفت. برآیند پژوهش‌های مذکور در مقایسه واژه «بصیرت» با «توسم» این است که نگاه متوسمین، نکته سنج و ظریفانه است و نگاهی که با واژه «بصیرت» به کار می‌رود، حاکی از علمی کامل و همه‌جانبه همچون علم حضوری است. در مقایسه واژگان «متوسمین» و «ناظرین» بر این مؤلفه تأکید می‌شود که متعلق نگاه در واژه «توسم» همچون واژه «نظر»، ظاهر اشیاست که همراه با عبرت‌گیری و پندپذیری است. از طرفی، با توجه به هم‌نشینی واژه «توسم» و کلمه «آیات» تصریح می‌شود که متوسمین کسانی هستند که از نشانه‌هایی که به ظاهر هیچ نشانی ندارند، به حقیقت ماجرا پی می‌برند.

۳. برای دست یافتن به مراد حقیقی و جدی خدای متعال از آیه شریفه، رجوع به روایات با نگاه تطبیقی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مجموع روایات یادشده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که در دسته نخست، روشن‌بینی خاصی است که برای مؤمنان است. این معنا به همراه واژه «فراست» در تفسیر بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. اما بخش گسترده‌تر و مهم‌تری از روایات است که تأکید دارد «توسّم» یکی از حیطة‌های خاص از دانش معصومین علیهم‌السلام است که مربوط به مقام ولایت آن‌هاست. و این جایگاه رفیع، مختصّ مقام ولایت آن‌هاست که از نسلی به نسلی در میان چهارده معصوم علیهم‌السلام انتقال یافته است. بر این پایه، بر اساس شواهد و قرائنی که در متن روایات در تفسیر مصداق آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ بیان شده است، می‌توان نتیجه گرفت که روایات دسته دوم، ناظر به روایات دسته نخست و مختصّ عمومیت آن‌هاست و معصومین علیهم‌السلام تنها مصداق «مُتَوَسِّمِينَ» خواهند بود.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم

- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اول: دار الکتب العلمیة، محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
- ، علل الشرایع، اول: کتاب‌فروشی داوری، قم، ۱۹۶۶.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الأعظم، اول: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، اول: دار الکتب العلمیة، محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، اول: مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، سوم: دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

ابن هشام، عبدالله بن يوسف، مغني اللبيب، چهارم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی رحمته الله، قم، بی تا.

ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۰ق.

ابوعبيده، معمر بن مثنى، مجاز القرآن، اول: مكتبة الخانجي، قاهره، ۱۳۸۱ق.

ايزوتسو، توشيهيكو، خدا و انسان در قرآن، شركت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۱.

بلاغی، عبدالحجة، حجة التفاسير وبلاغ الإكسير، اول: حكمت، قم، ۱۳۸۶ق.

پاكتهچی، احمد، «درآمدی بر استفاده از روش های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، پژوهش دینی، شماره ۱۸، ۱۳۸۸.

ثعلبي، احمد بن محمد، الكشف والبيان المعروف تفسير الثعلبي، اول: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۲۲ق.

جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه های امامیه، معتزله و اشاعره)، اول: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۱.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية، دار العلم للملايين، بيروت، ۱۳۷۶ق.

حفني، عبدالمنعم، موسوعة القرآن العظيم، اول: مكتبة مدبولي، قاهره، ۲۰۰۴.

حوی، سعید، الأساس في التفسير، ششم: دار السلام، قاهره، ۱۴۲۴ق.

درويش، محي الدين، اعراب القرآن الكريم وبيانه، الارشاد، حمص، ۱۴۱۵ق.

راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، اول: دار القلم، بيروت، ۱۴۱۲ق.  
زمخشري، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، دار الكتاب العربي، بيروت، ۱۴۰۷ق.

سيبويه، عمرو بن عثمان، كتاب سيبويه ويليّه تحصيل عين الذهب، من معدن جوهر الأدب في علم مجازات العرب، سوم: اعلمی، بيروت، بی تا.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، دوم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ق.

صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، ششم: سوره مهر، تهران، ۱۳۹۷.

طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، دوم: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۰ق.

طبراني، ابوالقاسم سليمان بن أحمد، المعجم الاوسط، دار الحرمين، قاهره، ۱۴۱۵ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، سوم: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.

طنطاوي، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، اول: نهضة مصر، قاهره، ۱۹۹۷.

- عرفان، حسن، ترجمه وشرح جواهر البلاغة، دهم: قم، ۱۳۸۸.
- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق في اللغة، اول: دار الافاق الجديدة، بيروت، ۱۴۰۰ق.
- عظیمه، صالح، مصطلحات قرآنيه، ترجمه: سيدی، حسین، اول: به نشر، مشهد، ۱۳۸۰.
- فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، دوم: الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۸۰.
- فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، دوم: هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، دوم: دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
- قضاعي، محمد بن سلامة بن جعفر، مسند شهاب، الرسالة، بيروت، ۱۴۰۷ق.
- كاشاني، فتح الله بن شكرالله، منهج الصادقين في إلزام المخالفين، اول: كتابفروشي اسلاميه، تهران، بی تا.
- کليني، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.
- مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق.
- ، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، بی تا.
- معافری، سعید بن محمد، کتاب الافعال، اول: دار الشعب، مصر، بی تا.
- مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، اول: ايران، قم، ۱۴۱۲ق.
- ، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
- مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، دهم: دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۱.
- نيكويي، عليرضا؛ بخشى، اختيار، «مفهوم "فراست" در گفتمان عرفى و عرفانى»، ادب پژوهى، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.
- واعظى، محمود، و قوام، زينب سادات، «جاىگاه آينده پژوهى در آيات و روايات»، بصيرت و تربيت اسلامى، شماره ۳۴، ۱۳۹۴.